

یکی از اهداف مهم نظام آموزش عالی کشور، پرورش نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز جامعه است. گرچه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور دست به تلاشهایی در این زمینه زده‌اند، ولی متأسفانه همخوانی نداشتن درسهای دانشگاهی با نیازهای جامعه، باعث شده است که دانش‌آموختگان از تخصص و کارایی لازم برخوردار نباشند.

از این رو در سالهای گذشته با توجه به روند افزایش جمعیت و تقاضا برای ورود به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی از یک سو و مشکلات اقتصادی دولت از سوی دیگر، مسأله «کار آفرینی» اهمیت ویژه‌ای یافته است.

در این مقاله تلاش شده است نقش دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در کار آفرینی مورد بررسی قرار گیرد زیرا این مراکز به علت داشتن امکانات آموزشی و پژوهشی پیشرفته و نیروهای کارشناس و کاردان می‌توانند در بخشهای گوناگون بازار کار فعالیت نمایند، مواد و دستگاههای گوناگون تولید کنند و با ارائه طرحهای تولید سودآور به سازمانهای دولتی و شرکتی خصوصی، زمینه ایجاد واحدهای مختلف تولیدی را فراهم آورند و از این راه کار آفرین باشند.

در پایان نیز با توجه به مسایل طرح شده، راهکارهایی برای افزایش کار آفرینی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی ارائه شده است. آشناسازی دانشجویان با شوریهایی اقتصادی کار آفرینی، ایجاد یا گسترش رشته‌ها، دوره‌ها، واحدهای درسی و مراکز کار آفرینی در دانشگاهها و پشتیبانی دولت از دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کار آفرین، از جمله این راهکارهاست.

کار آفرینی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی

پیشگفتار

علی‌رغم توجه مسؤولان برای ایجاد کار، ایران همواره با انبوهی از دانش‌آموختگان جویای کار روبرو است؛ دانش‌آموختگانی که با هزینه‌ای هنگفت و چندین سال صرف وقت، تخصص‌هایی کسب کرده‌اند.

از آنجا که این امر، مشکلی اجتماعی و اقتصادی است و ممکن است در آینده به یک «بحران» تبدیل شود، برای برطرف کردن آن به برنامه‌ریزی درست و هماهنگ نیازمندیم. با توجه به روند رو به افزایش افراد تحصیلکرده از یک سو و مشکلات اجتماعی اقتصادی دولت از سوی دیگر، در طول سالهای گذشته مسأله «کار آفرینی» (entrepreneurship) اهمیت ویژه‌ای یافته است. از این رو در مقاله حاضر تلاش شده است ابعاد گوناگون آن به گونه‌ای کوتاه مورد بررسی قرار گیرد. از این رو در آغاز واژه «کار آفرینی» تعریف می‌شود؛ سپس به بازنگری منابع می‌پردازیم و آنگاه علتهای اهمیت کار آفرینی بیان خواهد شد.

در بخش دیگر، برنامسه‌های آموزشی دانشگاههای خارج و ایران در زمینه کار آفرینی، نقش تحصیلات در کار آفرینی و مشکلات مربوط به آن

یکی از اهداف و وظایف مهم نظام آموزش عالی هر کشور، پرورش نیروی انسانی متخصص و کارآمد مورد نیاز جامعه است. گرچه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور تلاشهایی را در این زمینه آغاز کرده‌اند، ولی متأسفانه به علت نامتناسب بودن سرفصلها و عنوان درسهای دانشگاهی با نیازهای جامعه، دانش‌آموختگان دانشگاهها از تخصص و کارایی لازم برای تصدی مشاغل مربوطه برخوردار نیستند؛ زیرا آموخته‌هایشان چندان با نیازهای واقعی جامعه ارتباط ندارد.

از سوی دیگر افزایش جمعیت، افزایش شمار دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی، ضعف در تدوین و اجرای درست برنامه‌های توسعه اقتصادی، نبود برنامه‌ای فراگیر و همه‌سویگر برای پرورش نیروی انسانی متخصص و مواردی از این دست از مهمترین عواملی است که امروزه به مشکلی با عنوان «اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی» تبدیل شده است. بیکاری از پیچیده‌ترین مشکلاتی است که در زمان حاضر وجود دارد و

احمد حیلری

عضر هیأت علمی مؤسسه پژوهش
و برنامه‌ریزی آموزش عالی

دانشگاه و سازمان است و باعث به حرکت در آمدن چرخه فعالیت‌های اقتصادی کشور می‌شود.^۶ کار آفرینی عامل دگرگونی‌های اجتماعی است و به ایجاد مشاغل تازه و بهره‌گیری مؤثر از نیروی انسانی و منابع طبیعی می‌انجامد.

ره آورد این تلاشها، اشتغال و ثبات نیروهای فعال در جامعه، بر آورده شدن نیازهای اساسی خانواده مانند خوراک، مسکن، کار، بهداشت، درمان، تحصیل و بالا رفتن سطح رفاه عمومی از راه پرداخت مالیات بر درآمد به دولت است؛ همچنین توزیع مناسب درآمدها در جامعه و کاهش نگرانی‌های اجتماعی و گسترش عدالت اجتماعی را در پی دارد^۷ و به تجدید حیات ملی می‌انجامد.

نابرابری‌های موجود در زمینه نرخ‌های عرضه و تقاضای نیروی انسانی متخصص از جمله مشکلات کشورهای در حال توسعه است که افزایش جمعیت را نیز باید بر آن افزود.

افزون بر این، در این کشورها از نیروی کار استفاده بهینه نمی‌شود و تلاشهای اندکی برای بهره‌گیری از این نیروها از جهت تولید و کار آیی و سرانجام بهره‌زایی صورت می‌گیرد.

از سوی دیگر، همزمان با افزایش شمار دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیردولتی، شمار دانش‌آموختگان آنها نیز هر سال افزایش می‌یابد و موجب سرازیر شدن خیل عظیمی از تحصیلکرده‌گان به بازار کار می‌شود.

از این رو مسأله چگونگی جذب شمار فزاینده بیکاران تحصیلکرده در جامعه، باعث نگرانی‌ها و خواسته‌هایی در خانواده‌ها شده است.

از یک سو، نهادها، سازمانها و بطور کلی جامعه، از دانشگاهها خواهان نیروی کار آفرین هستند و از سوی دیگر، این امر لزوماً در زمره وظایف و اختیارات آنها نیست.

به سخن دیگر رشد جمعیت، بهره‌وری نامطلوب از نیروی کار در کشورهای در حال توسعه و نیز ویژگیهای هماهنگ شدن آنها با جامعه موجب مطرح شدن مسأله کار آفرینی شده است. یعنی بیشتر خانواده‌ها و نهادها از دانشگاهها می‌خواهند آموزشهایی به فرزندان و دانشجویان آنها داده شود که بتوانند با شرایط پیش‌بینی نشده‌ای که ناشی از

بررسی می‌شود. در پایان نیز بر پایه مولد مطرح شده، راهکارهایی برای اصلاح برنامه‌های آموزشی به منظور کار آفرین ساختن دانشجویان ارائه می‌شود.

تعریف کار آفرینی

از کار آفرینی تعاریف گوناگونی شده است که برخی از آنها از این قرار است:

● کار آفرینی فرایندی از ارائه اندیشه‌های تازه و نو، بهره‌گیری از امکانات و فرصتهای موجود با تکیه بر دانش، پیشه و کار مربوط به آن و پذیرش خطر است.^۱

● کار آفرینی پلی میان زایش ایده، تولید و انجام خدمات، مبادله اطلاعات و کالا است.^۲

● کار آفرینی عاملی است که عوامل گوناگون را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد تا بهره‌برداری از منابع و فعال شدن آنها در جهت بهره‌وری و تأمین منافع ملی میسر گردد و مؤسسات بهره‌ور و خلاق ایجاد شوند که موجب رشد و توسعه همه‌جانبه باشند.^۳

● کار آفرینی فرایندی است که فرد کار آفرین با ایده‌های نو و خلاق و شناسایی فرصت‌های تازه و با بسیج منابع، مبادرت به ایجاد پیشه و کار و شرکت‌های نو، سازمانهای جدید و نوآور و رشدیابنده می‌کند. این فرایند که مستلزم پذیرش خطر و ریسک است، منجر به عرضه محصول یا خدمت تازه به جامعه می‌شود.^۴

● کار آفرینی ناظر به رفتارها و فعالیت‌های خطرپذیر و نوآور و بهره‌گیری از فرصتهاست و کار آفرینان کسانی هستند که همراه با خطرپذیری، فرصت‌ها را اغنیمت می‌شمرند و با تکیه بر اندیشه‌ها و تجربه‌های خویش راهکارهایی تازه برای سودآوری جستجو می‌کنند.^۵

● کار آفرینی، فرایندی است که منجر به ایجاد رضایتمندی یا تقاضای تازه می‌شود. کار آفرینی عبارت از فرایند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه‌ای منحصر به فرد از منابع به منظور بهره‌گیری از فرصتها است.^۶

از این رو می‌توان گفت که کار آفرینی پدیده‌ای راهبردی و نیرویی هدایت‌کننده است. کار آفرینی فرایند بلندمدت آموزشی و پرورشی است که مستلزم برنامه‌ریزی در نظام آموزشی و پژوهشی و اجرای برنامه‌ها از پایگاه خانواده و مدرسه تا

● کار آفرینی عاملی

است که عوامل گوناگون را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد تا بهره‌برداری از منابع و فعال شدن آنها در جهت بهره‌وری و تأمین منافع ملی میسر گردد و مؤسسات بهره‌ور و خلاق ایجاد شوند که موجب رشد و توسعه همه‌جانبه باشند.

ماهیت کنونی بازار کار است، کنار بیایند، به گونه‌ای که بتوانند در جامعه شغلی بیابند و مفید واقع شوند. به سخن دیگر، جامعه از دانشگاهها انتظار دارد که دانشجویان را به گونه‌ای پرورش دهد که مهارتهای فنی و کاربردی مؤثرتر و به لحاظ عملکرد، هماهنگی بیشتری با بازار کار داشته باشند. زیرا برخلاف اشتغال‌زایی، کار آفرینی به پدید آوردن ارزشهای مادی و اقتصادی یا پیشه و کار محدود نمی‌شود یعنی هر کس شرکتی تأسیس و شماری را استخدام کرد، لزوماً کار آفرین نیست، بلکه فرد کار آفرین گذشته از اشتغال‌زایی، رشد و توسعه کشور و بهبود بهره‌وری را نیز در نظر دارد.^۱

هر چند دانشگاهها نمی‌توانند همه خواستها و نیازهای جامعه را برآورده سازند، اما با توجه به جایگاه پر اهمیتشان بویژه در کشورهای در حال توسعه، می‌توانند دست به کارهای سودمندی در این زمینه بزنند و به حل مشکل کمک کنند. از این رو با چند پرسش روبرو هستیم:

- ۱- علل اهمیت کار آفرینی چیست؟
 - ۲- دانشگاههای دیگر کشورها چه اقداماتی برای کار آفرین کردن دانشجویان خود انجام می‌دهند؟
 - ۳- دانشگاههای ایران چه کارهایی برای کار آفرین کردن دانشجویان می‌توانند انجام دهند؟
- در این نوشتار کوتاه تلاش می‌شود پاسخی به این پرسشها داده شود.

بازنگری منابع

در سالهای اخیر مسأله کار آفرینی از ابعاد گوناگون بررسی شده و کارشناسان در این زمینه مطالبی نگاشته‌اند، که مهمترین آنها چنین است:

- ۱- برخی در زمینه ناکارایی نظام آموزشی کشور بر تربیت دانشجو و دانش آموخته کار آفرین تأکید کرده و خاطر نشان ساخته‌اند که نظام آموزشی ایران به جای اینکه کار آفرین باشد، عملاً کارجو پرور است. به گونه‌ای که با زحمت زیاد افرادی را تربیت می‌کند که فقط می‌توانند شکافهای شغلی بسیار تعریف شده و ساختمند را پر کنند.^{۱۰}

نیز می‌گویند: از آنجا که نظام آموزشی ایران مبتنی بر یادگیری نیست، افراد کار آفرین در آن

کمتر پرورش پیدا می‌کنند.^{۱۱}

برخی نیز به سنجش نظامهای آموزشی از منظر کار آفرینی پرداخته‌اند. «دیده‌بان جهانی کار آفرینی» در مقاله‌ای خاطر نشان ساخته است که نظام آموزشی آمریکا به گونه‌ای است که از هر ۶ نفر يك نفر کار آفرین می‌شود؛ در کره جنوبی از هر ۱۲ نفر يك نفر و در برزیل بر اساس تغییراتی که در نظام آموزشی آن صورت گرفته، قرار است در پایان سال ۲۰۰۵ از هر چهار نفر يك نفر کار آفرین تحویل جامعه داده شود.^{۱۲}

۲- برخی نیز بر نقش دولت در ایجاد فرهنگ کار آفرینی تأکید کرده‌اند. از دید آنان، نخستین کار دولت در ایجاد کار آفرینی، جانداختن این فرهنگ است؛ یعنی خود دولت باور داشته باشد که نسل کار آفرین، نسل توانمند و تعیین کننده در سطح جامعه است. دومین بحث، بستر سازی برای تربیت و پرورش کار آفرینان است که از دیستان آغاز می‌شود و تا دانشگاه ادامه می‌یابد.^{۱۳}

آنان در بحث خود در زمینه ایجاد فرهنگ کار آفرینی، در آغاز بر ضرورت تربیت مربیان کار آفرین و سپس بر لزوم ترویج فرهنگ کار آفرینی از سوی رسانه‌های گروهی مانند صدا و سیما، مطبوعات و برگزاری سمینارهای هدفمند در دانشگاهها تأکید می‌کنند و آنگاه ضرورت دگرگون شدن نظام آموزشی برای تربیت کار آفرینان را خاطر نشان می‌سازند.^{۱۴}

۳- شماری از اندیشمندان بر ضرورت ترویج «الگوی کار آفرینی» در دانشگاهها تأکید کرده‌اند؛ برای نمونه، بیکاس سانیال یکی از الگوهای تصمیم‌گیری در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی را «الگوی کار آفرینی» بر شمرده است. بر پایه دیدگاه وی این الگو دارای ویژگیهای زیر است:

الف- دانشگاهها کار آفرین و خودگردانند.
ب- خدمات آموزشی، پژوهشی و مشاوره‌ای عرضه می‌دارند و منابع مورد نیاز را از دانشجویان، دولت، شرکتها، انجمن‌های محلی، منطقه‌ای و... به دست می‌آورند.

پ- رقابتی بوده و نسبت به هزینه حساس و واجد نظام پاسخگویی هستند. بودجه مورد نیاز را از منابع متعدد کسب می‌کنند و به همگرایی راهبردی و بهره‌برداری از فنون مدیریتی جدید

● کار آفرینی فرایندی است که فرد کار آفرین با ایده‌های نو و خلاق و شناسایی فرصت‌های تازه و با بسیج منابع، مبادرت به ایجاد پیشه و کار و شرکت‌های نو، سازمانهای جدید و نوآور و رشدیابنده می‌کند. این فرایند که مستلزم پذیرش خطر و ریسک است، منجر به عرضه محصول یا خدمت تازه به جامعه می‌شود.

می‌پردازند.

جلوگیری از پس روی اقتصاد شود.

۸. باعث تأمین رفاه اجتماعی می‌شود.

۹. موجب رقابت صنایع بویژه صنایع مشابه داخلی با یکدیگر و سرانجام موجب بهبود و بالا رفتن کیفیت کالاها می‌شود.

۱۰. باعث تقویت و تکامل صنایع داخلی می‌شود و بدین ترتیب زمینه رقابت صنایع داخلی و خارجی فراهم می‌آید و سرانجام به افزایش صادرات و دریافت ارز برای کشور می‌انجامد.

۱۱. کار آفرینی موجب به وجود آمدن محصولات، خدمات، روشها، سیاستها، افکار و راهکارهای نو برای حل مشکلات جامعه می‌شود.

برنامه‌های آموزشی

نقش آموزش عالی در توسعه

بطور کلی نظام آموزشی از دیستان تا دانشگاه مهمترین عامل توسعه بویژه توسعه انسانی و تربیت نیروی انسانی متخصص است. آنچه در این زمینه باید مورد توجه واقع شود، این نکته است که آموزشها و کیفیت آنها باید با نیازهای واقعی جامعه متناسب و هماهنگی داشته باشد.

گرچه آموزش امری معنوی است، ولی نتایج و آثار آن می‌تواند در راستای اهداف مادی رشد و توسعه اقتصادی نیز به کار رود و چون رشد و توسعه، کل جامعه را تحت الشعاع قرار می‌دهد، همه تخصصها اعم از علوم انسانی، تجربی یا مهندسی در جهت پیشبرد اهداف موضوعیت پیدا می‌کند.^{۱۷}

اگر نظام آموزش عالی بتواند نقش مهمتری در قبال توسعه اقتصادی بازی کند، جایگاه آن در جامعه روشن تر خواهد شد.^{۱۸} در جوامعی که مراکز آموزشی و پژوهشی، پویا و زنده هستند و با جامعه ارتباط دوسویه دارند، پدیده رشد و توسعه در آنها جدی است و حرکت، نوآوری و ابداع وجود دارد. البته جایگاه واقعی آموزش عالی زمانی مشخص می‌شود که نقش آن در امر توسعه همه جانبه همچون توسعه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز مورد توجه قرار گیرد. در این شرایط است که می‌توان انتظار چشم اندازی روشن داشت و به آینده امیدوار بود.

از سوی دیگر با توجه به نقش کار آفرینی

هر چند در عمل دانشگاهها به آمیزه و ترکیبی از چهار الگوی یاد شده روی می‌آورند تا خود را با موقعیت‌های ویژه خویش هماهنگ سازند، ولی در عین حال این امر نشانگر توجه به کار آفرینی است.^{۱۵}

۴. برپایه برخی دیگر از منابع، کارفرمایان کنونی در کشورهای صنعتی پیشرفته به دانش آموختگانی تمایل نشان می‌دهند که بتوانند با تقاضاهای تازه دنیای کار هماهنگ شوند. آنان به کارکنانی نیازمندند که پیش از آنکه رفتاری مبتنی بر پیروی از قواعد داشته باشند بتوانند قاعده‌سازی کنند.^{۱۶}

۵. در دیگر منابع نیز ایجاد روحیه کار آفرینی، استقرار نظام آموزشی برپایه یادگیری، وجود تواناییها و انعطاف پذیری‌های ویژه، خستگی ناپذیری در گسترش اندیشه، نهراسیدن از شکست، خطرپذیری، انعطاف پذیری و نوآوری و... از جمله ویژگیهای کار آفرینی و کار آفرینان ذکر شده است.

علل اهمیت کار آفرینی

کار آفرینی از محورهای اصلی رشد و توسعه است و از نظر برنامه ریزی توسعه اقتصادی و توسعه پایدار دارای اهمیت است زیرا:

۱- موجب ایجاد اشتغال می‌شود.

۲- باعث افزایش سود و سرمایه سرمایه گذاران می‌شود.

۳- موجب دگرگونی ارزشها و تحول ماهیت آنها می‌شود و ارزشهای تازه‌ای به وجود می‌آورد.

۴- موجب پیر شدن خلأها و شکافهای بازار کار می‌شود. یعنی با توجه به دگرگونی شرایط بازار کار و فراهم شدن فرصتهای تازه، تصمیم‌های تازه‌ای گرفته می‌شود.

۵- موجب گذار از رکود اقتصادی، جبران عقب ماندگیهای اقتصادی و آسان شدن روند رشد و توسعه کشور می‌شود.

۶- عوامل و شرایط لازم را برای تولید کالاها، محصولات و بازاریابی آنها فراهم می‌سازد.

۷- کار آفرینی به هنگام بحران و ناتوانی بخش خصوصی در ایجاد اشتغال می‌تواند باعث

● کار آفرینی فرایند بلندمدت آموزشی و پرورشی است که مستلزم برنامه ریزی در نظام آموزشی و پژوهشی و اجرای برنامه‌ها از پایگاه خانواده و مدرسه تا دانشگاه و سازمان است و باعث به حرکت در آمدن چرخه فعالیت‌های اقتصادی کشور می‌شود.

کار آفرینی عامل دگرگونیهای اجتماعی است و به ایجاد مشاغل تازه و بهره گیری مؤثر از نیروی انسانی و منابع طبیعی می‌انجامد.

در گسترش فعالیت‌های نوآورانه اجتماعی و اقتصادی، امید می‌رود دانشگاه‌ها با تلاش بیشتر، برنامه‌های مناسب برای تربیت نیروهای متخصص و کارآفرین تنظیم و اجرا کنند. زیرا اساسی‌ترین عامل پایداری نظام آموزش عالی (دانشگاه)، پرورش و آماده ساختن نیروی انسانی کارآمد، شایسته و ماهر به منظور پاسخگویی به نیازهای واقعی جامعه در زمینه‌های گوناگون است؛ نظامی که می‌تواند دانشجویان را بعنوان نوآوران، اندیشمندان، حرفه‌شناسان و حتی مخترعان، تربیت و به جامعه عرضه کند.^{۱۹}

روشن است زمانی دانشگاه‌ها می‌توانند به جامعه یاری رسانند که بتوانند با پیشرفت‌های دانش و تکنولوژی هماهنگ باشند.^{۲۰}

پیشینه کارآفرینی در جهان

به لحاظ اهمیت و نقش کارآفرینی و کارآفرینان در روند رشد و توسعه کشور در دو دهه گذشته، دانشگاه‌های کشورهای در حال توسعه و پیشرفته با توجه به نیازها و امکانات خود، برنامه‌های آموزشی و پژوهشی ویژه و متنوعی برای آموزش و تربیت کارآفرینان به اجرا گذاشته‌اند. به سخن دیگر، همچنان که اقتصاد کشور، قوانین و مقررات و نیازهای بازار کار، دگرگونی و تحول می‌یابند، نظام‌های آموزش عالی نیز در تلاشند تغییراتی در برنامه‌های خود ایجاد کنند و با توسعه اقتصادی و بازار کار هماهنگ شوند، زیرا هدف از اجرای طرح کارآفرینی در دانشگاه‌ها، پرورش دانشجویانی است که بتوانند پس از دانش آموختگی شغل تازه‌ای همراه با نوآوری و ابتکار ایجاد کنند.

از این رو امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین فعالیت‌های دانشگاه‌های خارجی تبدیل شده است. آنچه در این دوره‌ها بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، اهداف آموزشی، مناسب بودن محتوای دوره‌های آموزشی، کارآفرینانه بودن شیوه‌های تدریس، ایجاد و گسترش مفهوم و فرهنگ کارآفرینی در محیط دانشگاه، ایجاد تحرک برای توسعه اقتصادی، ترغیب دانشگاه‌ها به برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزش کارآفرینی، گسترش پژوهش‌ها در خصوص کارآفرینی و کارآفرینان، حمایت‌های اطلاعاتی، مشاوره‌ای و مالی لازم به منظور

راه‌اندازی فعالیت‌های کارآفرینانه از سوی دانشجویان و دانش‌آموختگان، ترکیب اعضای برگزارکننده دوره‌ها و فعالیت‌های آموزشی کارآفرینی، اثربخشی دوره‌های کارآفرینی و تطبیق و هماهنگی دوره‌های آموزشی و موارد یاد شده با یکدیگر به منظور تربیت دانشجویان و دانش‌آموختگان کارآفرین است.

بر همین پایه در دهه ۱۹۸۰، دانشگاه‌ها برحسب ویژگی‌های گروه‌های دانشجویی و نیازهای محلی، منطقه‌ای و ملی، همزمان با افزایش شمار دوره‌های آموزشی در خصوص روند کارآفرینی، برنامه‌های آموزشی و پژوهشی متعددی نیز برای سازمان‌های خصوصی و عمومی طراحی و اجرا کرده‌اند. دولتهای اروپایی نیز حمایت‌های ویژه‌ای از فعالیت‌هایی که به تشویق کارآفرینی در جوانان منجر می‌شود، روی آورده‌اند.

در آمریکا نیز آموزش کارآفرینی در چارچوب دوره‌های دانشگاهی و از سوی مؤسسه‌های ویژه مورد توجه بسیار قرار گرفته است. کانادا و برخی از کشورهای آسیایی چون فیلیپین، هند و مالزی نیز گام‌های اساسی در جهت پشتیبانی از فعالیت‌های کارآفرینی برداشته‌اند. این حمایت‌ها دربرگیرنده راهنمایی‌های عملی، مشاوره، ارائه تسهیلات مالی و برگزاری دوره‌های ویژه در خصوص کارآفرینی در دانشگاه‌ها یا خارج از آنهاست.^{۲۱}

بدین ترتیب با ارزیابی درس‌ها و دوره‌های گوناگون آموزشی کارآفرینی، می‌توان گفت در موارد یاد شده تلاش‌های زیادی در زمینه ارائه آموزش مربوط به کارآفرینی، کسب تخصص‌ها و مهارت‌های لازم در جهت بهره‌مندی از فرصت‌های اقتصادی، القای خطر مخاطره‌پذیری در فعالیت‌های کارآفرینانه و تقویت نگرشها و تمایلات در راستای پذیرش دگرگونی‌های به عمل آمده است.

تحصیلات و کارآفرینی

یکی از موضوع‌های مورد توجه پژوهشگران این است که آیا افراد، کارآفرین به دنیا می‌آیند یا از راه تحصیلات، کارآفرین می‌شوند. این نکته اهمیت و نقش تحصیلات را در کارآفرینی بیشتر نمایان می‌سازد.

هورنادی (Hornadoy) و تایکن (Tieken) در بررسی‌های خود دریافته‌اند که بسیاری از کارآفرینان

● برخلاف

اشتغال‌زایی، کارآفرینی به پدید آوردن ارزشهای مادی و اقتصادی یا پیشه و کار محدود نمی‌شود یعنی هر کس شرکتی تأسیس و شماری را استخدام کرد، لزوماً کارآفرین نیست، بلکه فرد کارآفرین گذشته از اشتغال‌زایی، رشد و توسعه کشور و بهبود بهره‌وری را نیز در نظر دارد.

سطح وزاره‌تخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهاد کشاورزی و صنایع و معادن و نیز جهاد دانشگاهی مطرح و در حال اجراست.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مسئولیت اجرایی «طرح توسعه کار آفرینی در دانشگاه‌های کشور» را که به اختصار «کاراد» نامیده می‌شود، به سازمان سنجش آموزش کشور واگذار کرده است. این سازمان نیز از اواخر سال ۱۳۷۹ نسبت به سازماندهی آموزش کار آفرینی در دانشگاه‌های مجری طرح اقدام نموده است.^{۲۵}

اهداف کار آفرینی

اهداف طرح توسعه کار آفرینی در دانشگاه‌های کشور که به منظور ترویج، پژوهش و آموزش و پرورش کار آفرینان صورت می‌گیرد، به شرح زیر است:

الف- ترویج روحیه و فرهنگ کار آفرینی و بالا بردن شناخت جامعه دانشگاهی بویژه دانشجویان نسبت به کار آفرینی، کار آفرینان و نقش آنها در رونق اقتصادی، ایجاد اشتغال و رفاه

ب- ترغیب و جذب جامعه دانشگاهی به دوره‌های آموزش کار آفرینی

پ- گسترش پژوهش‌های دامنه‌دار در خصوص کار آفرینان، پروژه‌های کار آفرینی، محیط و فضای کار آفرینان و دیگر زمینه‌های مربوط به آن با توجه به شرایط و ویژگی‌های ایران^{۲۶}

مشکلات کار آفرینی
دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی برای اجرای طرح کار آفرینی با مشکلاتی روبرو هستند که عمده‌ترین آنها را می‌توان چنین برشمرد:

۱- امروزه بیشتر درسهای دانشگاهی بویژه در رشته‌های علوم انسانی به شیوه نظری ارائه می‌شود و تلاش جدی برای کاربردی کردن آنها نشده است. بیشتر دانشجویان یک رشته مطالب درسی را حفظ کرده و امتحان می‌دهند و سرانجام موفق به گرفتن مدرک می‌شوند.

از این رو بیشتر فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها با نیازهای بازار کار هماهنگی و همخوانی ندارند و تخصص‌ها و مهارت‌ها هم جهت و هم سو با نیازهای بازار کار شکل نمی‌گیرد. به علت کاربردی نبودن

موفق احساس می‌کنند پیش از نسل جوان کنونی، تحصیلات اهمیت کمتری برای کار آفرینان داشته است. با وجود این، اکنون به علت رشد بالای فناوری و رقابت تنگاتنگ، آموزش اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است.

وسپر (Vesper) در خصوص تحصیلات معتقد است کار آفرینی که احتمال شکستشان بیشتر است، کسانی هستند که تجربه دارند، اما تحصیلات ندارند. دومین گروه از کار آفرینان که احتمال شکست آنها حتی بیشتر از دسته اول است، کسانی هستند که آموزش دیده‌اند، ولی تجربه ندارند.

برعکس، آن کار آفرینی که هم تجربه دارند و هم آموزش دیده‌اند، پرسودترین فعالیت‌ها را رهبری می‌کنند.^{۲۲}

جنینگز و همکارانش نیز گرچه تحصیلات دانشگاهی را یک پیش‌ضرورت برای موفقیت نمی‌دانند، اما در عین حال پیشنهاد می‌کنند که بهتر است برای رشد و ارتقاء در سلسله‌مراتب شرکت‌های بزرگ و رهبری شرکت‌های خانوادگی، تحصیلات دانشگاهی و آموزش‌های مدیریتی نیز مورد توجه قرار گیرد.^{۲۳}

پیشینه کار آفرینی در ایران

در ایران تا آغاز برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به کار آفرینی توجهی نشده بود. اما در این برنامه به علت وجود بیکاری گسترده بویژه در میان جوانان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و پیش‌بینی تشدید این معضل در دهه ۱۳۸۰، کار آفرینی مورد توجه قرار گرفته است.

بر اساس بند ۲- الف، راهکارهای اجرایی بخش آموزش عالی مندرج در جلد دوم پیوست شماره ۲ لایحه برنامه پنج ساله سوم توسعه، کار آفرینی و کارآمدی دانشجویان و دانش‌آموختگان از راه تحول برنامه‌ها و شیوه‌های آموزشی تأکید شده است. لذا به منظور توسعه و ارتقای سطح کار آفرینی، بویژه ابعاد آموزشی و پرورشی دانشجویان و دانش‌آموختگان مقاطع گوناگون تحصیلی و فراهم آوردن مشارکت هر چه بیشتر دانشگاهیان در توسعه کشور، آیین‌نامه طرح توسعه کار آفرینی در دانشگاه‌های کشور تهیه و برای اجرا به دانشگاه‌ها ابلاغ شد.^{۲۴}

توسعه کار آفرینی در برنامه مورد اشاره در

● نظام آموزشی ایران به جای اینکه کار آفرین باشد، عملاً کار جو پرور است؛ به گونه‌ای که بازحمت زیاد افرادی را تربیت می‌کند که فقط می‌توانند شکاف‌های شغلی بسیار تعریف شده و ساختمند را پر کنند.

در سهای دانشگاهی بویژه در رشته‌های فنی، دانش‌آموختگان آمادگی برای کار ندارند.

۲- از دیگر مشکلات در زمینه اشتغال، نهادینه نشدن فرهنگ کارآفرینی در سطوح گوناگون جامعه است. متأسفانه به جای ایجاد فرهنگ کارآفرینی، فرهنگ کارمندپروری در جامعه رشد و گسترش یافته است که این امر با توجه به پایین بودن ظرفیت جذب نیرو در اداره‌ها و سازمانها مشکلاتی پدید آورده است.

۳- بازار کار هماهنگ با تحولات علوم و تکنولوژی در حال دگرگونی است. از این رو بازار کار به برخی تخصصهای تازه نیازمند است که لزوماً دانش‌آموختگان دانشگاهها در دوران تحصیل فرامی‌گیرند.

۴- محدودیت اختیار مدیران دانشگاهها در زمینه برگزاری در سهای کارآفرینی و برنامه‌ریزی بلندمدت برای کارهای اشتغال‌زا، منجر به کاهش ابتکار و نوآوری می‌شود. از این رو، ناگزیر به برنامه‌ریزی در کوتاه‌مدت می‌شوند. برنامه‌ریزیهای کوتاه‌مدت نیز به کاهش ابتکارهای کارآفرینانه با آثار درازمدت می‌انجامد.

۵- مشکل دیگر، نبود ارتباط میان دانشگاهها و مراکز تولیدی و صنعتی است، به گونه‌ای که امروزه به‌رغم ایجاد و گسترش دانشگاههای صنعتی، حلقه‌های پیوند آنها با صنعت و تولید چندان شکل نگرفته است.

در واقع تازمانی که ارتباط دانشگاه و صنعت به درستی شکل نگیرد، نمی‌توان به پیشرفت و توسعه جدی کشور امیدوار بود.

۶- ناآشنایی جوانان با بازار کار و مشارکت نداشتن فعال بخش خصوصی در زمینه‌های پژوهش، توسعه، فعالیتهای تولیدی و کارآفرینی از دیگر مشکلات است.

کارهای انجام شده

دانشگاههای کشور به تدریج اقدامات لازم در زمینه اجرای این طرح را آغاز کرده‌اند. این فعالیتهای در زمینه‌های آموزشی، پژوهشی و خدماتی است. آموزش کارآفرینی در دانشگاهها معمولاً دارای دوره‌های پایه، عمومی و اختصاصی بوده و در دانشکده‌های گوناگون با توجه به نوع دانشکده

دارای محتویات متفاوت است.

هم اینک شماری از دانشکده‌های مدیریت و بازرگانی واحدهای کارآفرینی و برنامه‌های گوناگون سازماندهی شده ارائه می‌دهند و نیز در چند دانشگاه، مراکز کارآفرینی در محیط دانشگاهی ایجاد شده است.^{۲۷}

امروزه آموزش کارآفرینی آرام آرام جای خود را در در سها و رشته‌های گوناگون دانشگاهی باز کرده است؛ چرا که در این دوره‌ها ویژگیها و اقدامات لازم برای رشد، بقا و کارآفرین ساختن سازمانها، شرکتهای و اداره‌های کوچک و بزرگ در نظر گرفته شده است. فعالیتهای آموزشی در دانشگاهها با برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی آغاز شده است.

دانشگاههای مجری این طرح در زمینه‌های پژوهشی نیز مبادرت به تهیه و اجرای طرحهای پژوهشی گوناگون در زمینه کارآفرینی کرده‌اند.

در زمینه خدماتی و مشاوره‌ای نیز می‌توان به مواردی مانند انتشار کتابها، مقاله‌ها، نشریه‌ها، خبرنامه‌ها، برگزاری همایشها و سخنرانیها، کارگاههای آموزشی، نمایشگاههای کتاب، تکثیر فیلمهای آموزش کارآفرینی و کارآفرینان و طراحی و تکثیر بوسترها، بروشورها، تراکتهای آموزشی و تبلیغاتی مربوط به آن اشاره کرد.

از این رو می‌توان گفت که این امر در چند سال گذشته در دانشگاههای ایران نیز آغاز شده ولی برای ساماندهی آن نیاز به برنامه‌ریزی منسجم و هماهنگ است و امید می‌رود که این امر یعنی آموزش و تربیت کارآفرینان با تلاش بیشتر و برنامه‌های مناسب صورت گیرد.^{۲۸}

پیشنهادها

چنان که گفته شد، افزایش چشمگیر بیکاری بویژه در میان گروههای تحصیلکرده زنگ خطر را برای مقامات کشور به صدا درمی‌آورد و از این رو ضروری است که برای حل این مشکل برنامه‌ریزی دقیق، فراگیر و درازمدت صورت گیرد.

«کارآفرینی» یکی از این راههایی است که شایسته است بعنوان اقدامی پایدار در جهت اشتغال‌زایی در اولویت قرار گیرد به گونه‌ای که

● نظام آموزشی آمریکا به گونه‌ای است که از هر ۶ نفر يك نفر کارآفرین می‌شود؛ در کره جنوبی از هر ۱۲ نفر يك نفر و در برزیل براساس تغییراتی که در نظام آموزشی آن صورت گرفته، قرار است در پایان سال ۲۰۰۵ از هر چهار نفر يك نفر کارآفرین تحویل جامعه داده شود.

يك طرح عملیاتی، تعیین و تقویت ظرفیت استعداد و مهارتهای کار آفرینی.

در درسهای یاد شده باید تلاش شود تا در دانشجویان انگیزه و روحیه کار آفرینی ایجاد شود. افزون بر این ها سعی شود دانشجویان را خود باور و شجاع، نو آور و خلاق، مسؤلیت پذیر و هدایت گر، استقلال طلب و آینده نگر و توانمند در رویارویی با ابهام و خطر پذیر و متکی به نفس بار آورند.

در همین راستا باید تلاش شود دانشجویان را به دنبال ایده های نو بکشانند تا برای رسیدن به اهداف خود قادر به کنار گذاشتن روشهای معمول باشند و راهکارهای تازه ای بیازمایند؛ توانایی کشف و ارزیابی پرشتاب فرصتها، تصمیم گیری درست و بجای، گردآوری منابع و برنامه ریزی برای فعالیتهای اشتغال زا و توسعه و گسترش آنها بیابند و نگرشهای آنها به گونه ای سازماندهی شود که در شرایط گوناگون توانایی پذیرش دگرگوینهارا داشته باشند.

۲- ایجاد یا گسترش رشته ها، دوره ها، واحدهای درسی و مراکز کار آفرینی در دانشگاهها و سازماندهی این مراکز در قالب شبکه های کار آفرینی ضروری است. در این برنامه ها باید مناسب بودن محتوای دوره آموزشی، گزینش مفاهیم درسی مفید و مناسب، استفاده از فنون گوناگون برای بهبود عملکرد آموزشی و کیفیت یادگیری دانشجویان در مراحل مختلف آموزشی مورد توجه قرار گیرد.

دوره های ویژه آموزشی نظری و عملی می تواند دربرگیرنده دوره های مقدماتی و عالی باشد. تدریس این درسا در دانشکده های بازرگانی و مهندسی ضروری است.

برنامه ریزی برای تربیت کادر آموزشی کار آفرینی در دانشگاهها نیز باید در این راستا مدنظر قرار گیرد.

۳- ایجاد یا گسترش مراکز کار آفرینی در دانشگاهها و سازماندهی آنها در قالب شبکه های کار آفرینی ضروری است. به سخن دیگر، باید سازمانها و تشکیلاتی در دانشگاهها ایجاد شود که دانشجویان افزون بر فعالیتهای آموزشی و پژوهشی، در فعالیتهای اقتصادی نیز مشارکت داده شوند. ایجاد کارگاههای خوداشتغالی در دانشگاهها باعث می شود که دانشجویان گذشته از

مردم بویژه جوانان را چنان تربیت کند که توانایی اقدام و عمل مناسب همراه با انعطاف پذیری و پذیرش موقعیتهای شغلی ناامن و پیچیده را در بازار کار داشته باشند و بتوانند مشاغل تازه ای همراه با نوآوری و خطرپذیری شایسته ایجاد کنند.

در این راستا، دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی دولتی به علت داشتن اعضای هیأت علمی ثابت و امکانات پژوهشی پیشرفته در سطحی که مراکز غیردولتی به سختی توان فراهم کردن آنها را دارند، می توانند در زمینه تولید دانش و تکنولوژی با شتاب حرکت کنند، در مورد نظامهای صنعتی پیشرفته پژوهش کنند و از دستاوردهای آنها بهره مند شوند.

این مراکز با در اختیار داشتن امکانات پیشرفته و مؤسسات پژوهشی می توانند در زمینه تولید مواد، دستگاهها و قطعات گوناگون فعالیت کنند؛ با ارائه طرحها و مشاوره های لازم به سازمانها و شرکتهای دولتی و غیردولتی، زمینه ایجاد شرکتهای واحدهای تولیدی سودآور را فراهم آورند؛ دانشجویان را با گذراندن دوره های آموزشی ویژه برای هماهنگی با نیازهای در حال تحول جامعه آماده سازند و از این راه زمینه های کار آفرینی را در جامعه فراهم کنند.

دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی برای رسیدن به این هدف باید در برنامه های آموزشی و درسی خود، آموزشهای کار آفرینی را مورد توجه قرار دهند و گامهای اساسی در جهت پشتیبانی از اقدامات و فعالیتهای کار آفرینی بردارند.

این گامها می تواند دربرگیرنده موارد زیر باشد:

۱- دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی باید تلاش کنند تا دانشجویان را با دانش و شوریهایی اقتصادی و کار آفرینی آشنا سازند، تا آنها را در موقعیت مناسبی برای شناخت عوامل اقتصادی و غیراقتصادی مؤثر در رشد و توسعه کشور قرار دهند و دانشجویان بتوانند به بینش و وسعت نظر کافی برای درک پدیده های توسعه علمی و اقتصادی دست یابند. این پدیده ها دربرگیرنده کسب دانش و درک مفاهیم مدیریت اقتصادی و موارد زیر می شود: شناسایی فرصتها و چگونگی بهره گیری از آنها، چگونگی دستیابی به منابع اقتصادی، کسب دانش و مهارت در کاربرد فنون تحلیلی و مدیریتی مانند توانایی تحلیل يك موقعیت اقتصادی، ترکیب

● کارفرمایان کنونی در کشورهای صنعتی پیشرفته به دانش آموختگانی تمایل نشان می دهند که بتوانند با تقاضاهای تازه دنیای کار هماهنگ شوند. آنان به کارکنانی نیازمندند که پیش از آنکه رفتاری مبتنی بر پیروی از قواعد داشته باشند بتوانند قاعده سازی کنند.

کار کردن به هنگام تحصیل، تجربه‌های همخوان با رشته تحصیلی‌شان نیز با توجه به امکانات کنونی دانشگاهها پیش از فارغ‌التحصیل شدن به دست آورند.

۴- یکی از علومی که با وجود گستره وسیع آن در عرصه صنعت و اقتصاد کشور و ایجاد فرصتهای شغلی، کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، بیولوژی است.

ایجاد نظام آموزشی و پژوهشی در زمینه بیولوژی کاربردی با توجه به شرایط اقلیمی کشورمان می‌تواند در بسیاری موارد به بومی‌سازی فناوریهای پیشرفته و کارآفرینی منجر گردد. تربیت تکنیسین بیولوژی کاربردی که هنوز جای آن در برنامه‌های آموزشی کشورمان خالی است باید مورد تأکید قرار گیرد. این امر می‌تواند یکی از راهکارهای مناسب برای حل بخشی از بیکاری جوانان باشد.

در این خصوص ایجاد دانشکده علوم زیستی کاربردی به منظور توسعه آموزشهای علمی و کاربردی بیولوژی پیشنهاد می‌شود.

۵- دانشکده‌های مدیریت تلاش کنند به دانشجویان رشته‌های مدیریت، مجموعه‌ای از دانش و مهارت‌های مدیریت فناوری و کارآفرینی مرتبط با صنایع کوچک بیاموزند.

افزون بر این، دانشگاهها باید بتوانند مستقیماً یا از راه تأسیس نهادهای وابسته به عنوان مرکز ایجاد و پرورش شرکتهای مورد بحث عمل کنند و با فراهم آوردن امکانات و تسهیلات لازم، هر چند اندک، در مراحل نخستین تولد و رشد آنها، هزینه و ریسک تأسیس شرکت برای کارآفرینان را کاهش دهند.

شرکتهای یادشده باید بتوانند در يك فرایند تکاملی هر چه زودتر از دانشگاه مستقل و در مدت معینی به شرکتهای خصوصی تبدیل شوند و پس از آن، دانشگاه در پوشش توافقنامه‌های مربوطه از آنها پشتیبانی کند. ضمن اینکه شرکتهای نیز در صورت موفقیت در بازار می‌توانند به تحقیقات دانشگاهی کمک کنند.

۶- راهنمایی علمی، بسترسازی، حمایت‌های مشاوره‌ای و مالی لازم از طرحهای کارآفرینانه دانشجویان و استادان ضروری است. این حمایتها و تسهیلات بویژه در مورد طرحهایی که به مرحله

اجرا رسیده، بیشتر لازم است. افزون بر این، شناسایی کارآفرینان موفق دانشگاهی و معرفی الگوهای دانشگاهها و دانش‌آموختگان کارآفرین به دانشجویان نیز به گرایش بیشتر دانشجویان به ارائه چنین طرحهایی می‌انجامد.

۷- دولت باید تلاش کند از دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کارآفرین پشتیبانی کند. این پشتیبانی می‌تواند به شکل سیاستگذاری، ایجاد انگیزه، برنامه‌ریزی، تأمین امنیت سیاسی و اقتصادی و تصویب قوانین مربوطه صورت گیرد. افزون بر این، دولت باید با تسهیل روابط علمی و صنعتی مربوط با کارآفرینی در حوزه تکنولوژیهای گوناگون، جریان نوآوری در سطح کشور را در قالب نظام ملی نوآوری انسجام بخشد.

۸- ایجاد بانک اطلاعاتی نیز باید مورد توجه باشد زیرا فراهم ساختن اطلاعات لازم برای آگاهی استادان و دانشجویان از نیازها و مسایل کاری رشته تخصصی‌شان در رشد و ایجاد روحیه کارآفرینی آنها بسیار مؤثر است. از این رو ایجاد بانکهای اطلاعاتی در این دانشگاهها ضروری است. چنین بانکهایی می‌توانند اطلاعات لازم را برای آشنایی با اقدامات و فعالیتهای کارآفرینانه در اختیار دانشجویان قرار دهند.

منابع

۱. رحیمی، حسین، «ضرورت آموزش کارآفرینی در دانشگاهها»، چکیده مقالات چهل و چهارمین نشست رؤسای دانشگاهها و مراکز علمی-تحقیقاتی کشور (۱)، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۰، ص ۶۱.
۲. هاشمی، حمید، «سرمایه‌های جاویدان»، ویژه نامه همایش کارآفرینی و فناوریهای پیشرفته، تهران: مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران، ۱۳۸۰، ص ۱۲۶.
۳. همان، ص ۱۲۶.
۴. مقیمی، فضل‌ا...، «کارآفرینی، سنجش و پژوهش»، گاهنامه مرکز مطالعات سازمان سنجش آموزش کشور، شماره سوم، بهار ۱۳۸۱، ص ۷.
۵. جهانگیری، علی، «دولت کارآفرین»، مدیریت دولتی، شماره ۵۱، ۱۳۸۰، ص ۵۱.
۶. احمدپور داریانی، محمود، کارآفرینی، تهران: شرکت پردیس ۵۷، ۱۳۷۹، ص ۷.
۷. هاشمی، پیشین، ص ۱۲۷.

● نظام آموزشی از

دبستان تا دانشگاه مهمترین عامل توسعه بویژه توسعه انسانی و تربیت نیروی انسانی متخصص است. آنچه در این زمینه باید مورد توجه واقع شود، این نکته است که آموزشها و کیفیت آنها باید با نیازهای واقعی جامعه تناسب و هماهنگی داشته باشد.

۸. همان، ص ۱۲۶.

۹. صدیق، محمدجعفر، «نقش انکوباتورها در بستر سازی کار آفرینی برای دانش آموختگان دانشگاه‌ها»، چکیده مقالات چهل و چهارمین نشست رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی کشور (۲)، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۰، ص ۶۴.

۱۰. ویژه‌نامه همایش کار آفرینی و فناوری‌های پیشرفته، «گفتگو با عقیل ملکی‌فر»، تهران: مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران، ۱۳۸۰، ص ۵۲.

۱۱. همان، ص ۵۳.

۱۲. ویژه‌نامه همایش کار آفرینی و فناوری‌های پیشرفته، «گفتگو با کامبیز طالبی»، تهران: مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران، ۱۳۸۰، ص ۱۷.

۱۳. همان، ص ۲۲.

۱۴. همان، ص ۲۳.

۱۵. بیکاس سی ساتیال، «تحول در سیاستگذاری و اعمال مدیریت در آموزش عالی»، ترجمه داوود حاتمی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۱ و ۲ (شماره مسلسل ۱۵ و ۱۶)، سال ششم، بهار و تابستان ۱۳۷۷، ص ۱۲.

۱۶. محسنی، منوچهر، «دانشگاه و بستر رشد تاریخی از نظر ساختارها و نقش‌ها»، مجموعه مقالات سمینار دانشگاه، جامعه و فرهنگ اسلامی (۱)، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۸، ص ۳۶۶.

۱۷. اطاعت، جواد، «آموزش و توسعه»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال سیزدهم، شماره یازدهم و دوازدهم (شماره

مسلسل ۴۴-۱۴۳)، مرداد و شهریور ۱۳۷۸، ص ۲۱۴.

۱۸. تسنیمی، عباسعلی، و سجادی، سیدمهدی «شیوه‌های ارتقای جایگاه آموزش عالی دولتی»، مجلس و پژوهش، شماره ۲۳، سال پنجم، دی و بهمن ۱۳۷۶، ص ۲۹۰.

۱۹. تسلیمی، محمدسعید «به سوی بازشناسی و تبیین مجدد نقش دانشگاه»، دانش مدیریت، شماره ۴۷، سال دوازدهم، زمستان ۱۳۷۸، ص ۳.

۲۰. فرهنگی، علی اکبر، و حسینی، سیدحیدر، «رهبری و مدیریت در دانشگاه‌ها»، همان، ص ۳۶.

۲۱. پورداریانی، احمد، پیشین، ص ۱۷۶.

۲۲. همان، ص ۱۱۰.

۲۳. همان.

۲۴. مقدمه آیین‌نامه طرح توسعه کار آفرینی در دانشگاه‌های کشور (کاراد)، شماره ۱۱/۲۵۱۹ مورخ ۱۳۸۱/۳/۲۷، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

۲۵. مقیمی، پیشین، ص ۸.

۲۶. آیین‌نامه طرح توسعه کار آفرینی در دانشگاه‌های کشور (کاراد)، ص ۱.

۲۷. عسگری، ناصر، «توسعه کار آفرینی در دانشگاه‌ها»، سنجش و پژوهش، گاهنامه مرکز مطالعات سازمان سنجش آموزش کشور، شماره سوم، بهار ۱۳۸۱، ص ۱۰.

۲۸. رحیمی، غلام حسین، «سازماندهی آموزش کار آفرینی در دانشگاه‌ها»، چکیده مقالات چهل و چهارمین نشست رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی کشور (۲)، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۰، ص ۵۰.

● اگر نظام آموزش

عالی بتواند نقش مهمتری

در قبال توسعه اقتصادی

بازی کند، جایگاه آن در

جامعه روشن تر خواهد

شد. در جوامعی که مراکز

آموزشی و پژوهشی، پویا

و زنده هستند و با جامعه

ارتباط دوسویه دارند،

پدیده رشد و توسعه در آنها

جدی است و حرکت،

نوآوری و ابداع وجود دارد.

البته جایگاه واقعی آموزش

عالی زمانی مشخص

می شود که نقش آن در امر

توسعه همه جانبه همچون

توسعه فرهنگی، اجتماعی

و سیاسی نیز مورد توجه

قرار گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی